

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۴۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳ آذر ۱۳۸۹، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدل گلپریان

انسانیت در کمپین جهانی علیه یک حکومت ضد انسانی!



محمد امین کمانگر

آشتیانی و حمایت بی دریغ مردم جهان از مبارزات مردم ایران و خصوصا ظاهر شدن و عملی تر قرار گرفتن آزادیخواهان و انسان دوستان جهان در این کمپین، نظام

صفحه ۳

حرکت انسانی علیه نظام و یک حکومت ضد انسانی، پرچم دفاع از حقوق انسان را برافراشت، سازمان یافت و دارد به پیش می رود. باید بارها در مورد آن سخن گفت، شبانه روز جنگید، در جلسات و اجتماعات گوناگون، در شهرها و کشورهای مختلف در مورد آن سخن سر داد. این حرکت باید با همان قدرت و صلابت به پیش برود و یکبار برای همیشه نقطه پایانی را بر قوانین ضد انسانی سنگسار و اعدام این عهد حجری ها بگذارد. این تلاشهای شورانگیز تا همینجا این را به قاتلان مردم قبولاند.

با فشار کمپین جهانی سکینه

یک سؤال از عبدل گلپریان ماشین سرکوب در محلات. چه باید کرد؟



آوات فرخی: خبرها حاکی از

عبدل گلپریان: درست است اینها اوضاع را خیلی وخیم به حال خود تشخیص داده و بوشیده اند. طرح حذف یارانه ها تحت عنوان " هدفنتد کردن یارانه ها"، سران و کاربردستان رژیم اسلامی را در بد مخمصه قرار داده است. از مقطع شروع طرح این مسئله که تلاشی برای برون رفت از فروپاشی بحران و بن بست سیاسی اقتصادی رژیم از سوئی و از سوی دیگر به طبع اجرای عملی آن و برای مرهم نهادن بر درد بی درمانشان، می خواهند خانه خرابی و چپاول هر چه بیشتر از سفره

صفحه ۲

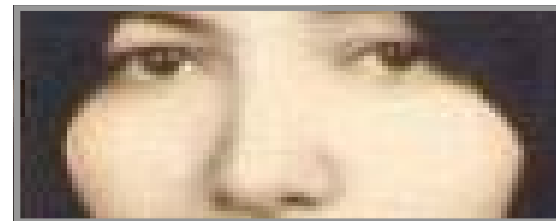
کند. هدف شان از رژه نظامی در محلات و کوچه پس کوچه های شهرها چیست؟ آیا اوضاع را تا این حد به حال خود وخیم می دانند؟ اگر پاسخ مثبت است به نظر شما مردم برای خنثی کردن سرکوب اعتراضات توسط سرکوبگران رژیم اسلامی چه اقداماتی را در دستور کار خود باید قرار دهند و مشخصا فعالین در محلات چگونه با نیروی اراد و اوپاش جیره خوار حکومت که برای سرکوب مردم اجیر شده اند روبرو شوند و چه کارهای عملی را می توانند انجام دهند؟

آن است که جمهوری اسلامی می خواهد همزمان با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و برای جلوگیری از اعتراضات میلیونی مردم، نیروهای سرکوبگر خود را به محلات بکشاند و خود را برای مقابله با اعتراضات مردم آماده می

امیدواری به نجات سکینه از همیشه بیشتر شده است کمپین جهانی نجات سکینه با تمام قوا ادامه خواهد یافت

در مورد سکینه، هنوز نمیتوان بطور قطع امیدوار بود که سکینه از سنگسار و اعدام نجات یافته است. اظهارات لاریجانی نشان میدهد که امیدواری برای نجات سکینه از هر زمان بیشتر شده است اما برای تحقق آن نباید حتی یک لحظه فشار از روی جمهوری اسلامی برداشته شود.

صفحه ۲



نجات سکینه محمدی آشتیانی زیاد است. با توجه به اظهار نظرات متناقض مقامات جمهوری اسلامی

محمد جواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی در پرس تی وی اعلام کرد که شانس

خطاب به مردم آلمان، به همه مردم شریف دنیا، و به ژورنالیست ها

برای آزادی خبرنگاران آلمانی دست به اعتراض بزنید جمهوری اسلامی را باید محکوم و منزوی کرد مواضات دولت آلمان یا جمهوری اسلامی محکوم است

رسانی به کسی نمیدهد. این جرم نیست.

آنها با دو شهروند ایرانی صحبت کرده اند. کجای دنیا این جرم است؟ این بیحقوقی مردم ایران و ترس جمهوری اسلامی از خبرسانی را نشان میدهد.

جمهوری اسلامی میگوید آنها جاسوس هستند. حتی یک نفر در دنیا اینرا باور نمیکند. زهرا کاظمی شهروند ایرانی کانادائی را هم مقابل زندان اوین گرفتند، او را

صفحه ۵

دو خبرنگار روزنامه Bild به ایران رفتند که با سجاد وهوتن در مورد سکینه که به سنگسار و اعدام محکوم شده است، مصاحبه کنند. این یک کار عمیقا انسانی بود. حکومت اسلامی آنها را روز ۱۰ اکتبر دستگیر و زندانی کرد.

جمهوری اسلامی میگوید آنها خود را توریست معرفی کرده اند. اگر آنها خود را توریست معرفی کرده اند به این علت است که جمهوری اسلامی اجازه اطلاع

یادداشت بهنام ابراهیم زاده از بند ۳۵۰ اوین

صفحه ۵

بهنام ابراهیم زاده باید فوراً آزاد شود

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ماشین سرکوب در محلات ...

از صفحه ۱

پلیسی خود را به کار گرفته است اما همچنان از بروز مجدد حرکت انقلابی مردم پیکره نظامش دارد می لرزد. این جدال اجتماعی- طبقاتی از ۱۸ ماه قبل تا کنون با افت خیزهایش و همچنین علارغم فضای شدت نظامی و پلیسی ای که حکومت اسلامی در مقابل آن ایجاد کرده است، دارد خود را برای نبرد نهایی آماده می کند. سران و جناحهای مختلف رژیم اسلامی که اعتراض و مبارزه مردم آنان را به جان هم انداخته است، بیشتر از پیش دارند به جان هم می افتند. مردم در ادامه حرکت انقلابی سال گذشته که رژیم با کشتار و کهریزکها از سقوط حتمی خود جلوگیری کرد، اینبار می رود تا شعله های فروزان تری را برای برچیدن این بساط ضد انسانی مهیا کند. کشاندن ماشین سرکوب به محلات شهرها تلاشی برای به تعویق انداختن ریزش کل نظام اسلامی در ایران است.

برای خنثی کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم در محلات، فعالین چپ و رادیکال در محلات نقش و وظایف بسیار مهمی بر عهده دارند. نقش محوری در سازماندهی و هدایت درست حرکت مبارزاتی در هر عرصه ای را فعالین و رهبران عملی آن عرصه بر عهده دارند. در محلات نیز این حکم صادق است. چهره های سرشناس و رهبران عملی و با نفوذ در محلات با اتکا به توده اهالی محل و بویژه جوانان، می توانند در سازماندهی مردم محلات و برای مقابله با هر گونه حرکت سرکوبگرانه توسط مزدوران رژیم دست بکار شوند. در صورت پیدا شدن سروکله مزدوران سرکوبگر در محلات، واکنش فعالین و مردم بطور سازمانیافته ضرورت اقدامات عملی مشخصی را در دستور کار فعالین قرار میدهد. اقدامات عملی جزء به جزء و از پیش تعیین شده ای را اکنون نمیتوان بعنوان نسخه ای برای فعالین محلات توصیه کرد اما می توان گفت که طرح سازماندهی هسته های محلات با دخیل و شرکت دادن توده اهالی هر محل در زمینه های مختلف نظیر گروه های تدارکاتی، گروه یا هسته های امنیتی محلات، هسته های امداد رسانی، حفاظت و نگهداری از محلات توسط جوانان و با استفاده

باش برای جنگ با يك کشور دیگر مقایسه کرد. اکنون آیت اله های میلیاردر و فرماندهان قتل و جنایت، دیگر نمی توانند با تبلیغات کثیف نظامی، ملی و مذهبی دوران استقرارشان کسی را فریب دهند. ریش و پشم شان کاملاً ریخته است. وعده کلید بهشت، شیطان بزرگ، منبرهای موعظه و عوامفریبی و دیگر اراجیف سه دهه اخیر کاملاً جای خود را به زندان، شکنجه، تهدید و تجاوز و میلیتاریزم داده است. حذف یارانه ها و در کنار آن براه انداختن مانور ورژن نظامی در داخل شهرها، طرح اشغال محلات و ایجاد فضای امنیتی و پلیسی اش، بعنوان تلاشی برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی و سیاسی اش قابل توضیح است. هیچ پند و نصیحتی و هیچگونه تبلیغات مسخره ای امروز دیگر برای سران نظام اسلامی و برای سرپا نگاه داشتن حکومتشان کارساز نیست. تاریخ مصرف اینگونه چرنیدیات سالهاست به پایان رسیده است. خزعبلات همیشگی شان امروز دیگر همگی دود شده و به هوا رفته است. راه دیگری برایشان متصور نیست بجز سرکوب و ارعاب. طرف دیگر جبهه این نبرد نیز میلیونها مردم عاصی و متنفر از حکومت اسلامی قرار دارند که جانشان به لب رسیده است و راهی جز خلاص شدن از این جهنم را ندارند. نه تنها محلات بلکه هر مکانی که توده عظیم مردم و به خشم آمده در آن حضور دارند، برای سران حکومت اسلامی به غولی که می خواهد به این تباهی پایان دهد تبدیل شده است. حملات بی اثر به تجمع کارگران معترض در محیط کار، در خیابان و در مقابل مجلس مفتخوران اسلامی، تعرض به دانشجویان، پر کردن زندانها، اعدام و غیره تا کنون برایشان کارساز نبوده است و اکنون می کوشند ماشین سرکوب خود را به محلات که یکی دیگر از مراکز مهم تجمعات اعتراضی و شبانه روزی مردم است روانه کنند.

رژیم اسلامی سرمایه داران، تا کنون تمام قدرت نظامی، امنیتی و

مردم را ببار بیاورند. از این رو این بن بست اقتصادی سیاسی، طراحان و سران حکومت را با کابوسی لاعلاج روبرو ساخته است. می خواهند با زوری سرکوب را تا حیاط خانه های مردم گسترش دهند. اینگونه طرحهای بی خاصیت شده سرکوب، نشان از اوج شکست و استیصال رژیمهای در حال سرنگون شدن است.

در حالیکه هنوز اقدامات عملی این طرح رسماً اعلام نشده است، قیمت مایحتاج عمومی و بویژه قیمت کالاهای اساسی مردم در بازار به چندین برابر افزایش یافته است. سران و فرماندهان رژیم اسلامی پیشتر صراحتاً اعلام کرده بودند که باید در مقابل عوارض این طرح یعنی شورشهای شهری کاملاً آماده باشند. در شهرهای مختلف سراسر کشور نیروهای انتظامی، ناجا و دیگر سرکوبگران به خط شده اند و تا کنون در مقابل آنچه که سران رژیم آنرا "فتنه" نام نهاده اند خواب راحتی نداشته اند. برای میلیونها مردمی که با اجرای این طرح هستی شان ساقط تر میشود، دردشان طرح حذف یارانه ها نیست بلکه مسئله اساسی برای مردم پایان دادن و به زیر کشیدن حکومتی است که جامعه را به تباهی، فقر، کشتار و نیستی کشانیده است. رژیم مفلوک اسلامی که برای تداوم چند روز بیشتر عمر سراپا نفرت انگیزش با اینگونه طرحهای اقتصادی ناچار است در هر کوی و برزنی رژه و مانور نظامی براه اندازد، مرگ و سقوط حتمی خود را دارد جار می زند.

اینک در تلاشند تا طرح مقابله با "فتنه" یا همان شورشهای شهری و خیابانی را به محلات نیز بکشانند. به همین منظور نمایندگان رژیم در مراسم نماز جمعه ها در مقرات و مراکز نظامی و تجمعات نیروهای بسیج و دیگر لیمپنهای سرکوبگرشان، در تلاش برای آماده سازی این نیروها و برای سرکوبی اعتراضات مردم هستند. خواب راحت ندارند. به وحشت افتاده اند. فضای نظامی، امنیتی و پلیسی ای که در یکی دو ماه اخیر توسط رژیم بیشتر شده است را میتوان با آماده

امیدواری به نجات سکینه ...

از صفحه ۱

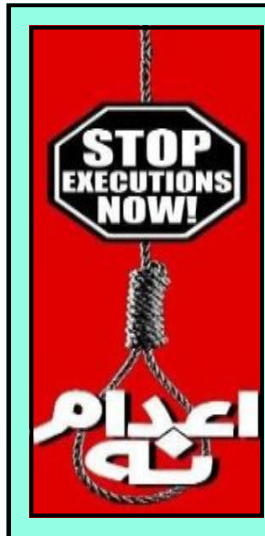
سکینه، این حکم به اجرا گذاشته میشود. این تناقضات و سردرگمی در درون حکومت اسلامی در مورد سکینه ناشی از فشار کمپین نجات سکینه است که باید بدون وقفه ادامه یابد.

ما اعلام میکنیم که تا زمانی که جمهوری اسلامی رسماً اعلام نکند که حکم سنگسار و اعدام سکینه لغو شده و سکینه، سجاد، هوتن و دو خبرنگار آلمانی از زندان آزاد نشده باشند، کمپین جهانی نجات سکینه با قدرت ادامه خواهد یافت.

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنگسار
۲۲ نوامبر ۲۰۱۰

شش ماه از کمپین جهانی نجات سکینه میگذرد و تحت این فشارها جمهوری اسلامی نتوانست سکینه را سنگسار یا اعدام کند و زیر فشار این کمپین جهانی دارد دست و پا میزند. محمد جواد لاریجانی قبلاً هم زمانیکه سکینه را شلاق زده و ممنوع الملاقات کرده بودند گفت که سکینه هر هفته ملاقات دارد و تحت هیچ فشاری نبوده است اما بر همگان روشن بود که این دروغ های آشکار به قصد آبرو خیزدن برای حکومت صورت میگیرد. همین دو روز قبل حجت الاسلام مالک اژدر شریفی رئیس دادگستری آذربایجان شرقی تاکید کرد که در صورت تأیید نهایی حکم سنگسار

مجازات اعدام
باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع
مجازات متضمن
تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه
بدنی، و غیره) تحت
هر شرایطی ممنوع
است.
همچنین مجازات
حبس ابد
باید لغو شود.



از امکانات موجود فعلی و ابتکارهای مختلف در جهت مقابله با هر گونه تعرض و حتی هر گونه ضروری از نیروهای رژیم در محلات، از ابتدایی ترین و عمومی ترین اقداماتی است که فعالین و رهبران سرشناس در محلات می توانند مورد توجه قرار داده و در تلاش و تدارک برای سازماندهی آن باشند. محلات مختلف شهرهای کردستان در این رابطه تجارب بسیار خوبی از مقابله با سرکوبگران در محلات را دارند. می توان و باید کاری کرد که نه تنها وجود مزدوران حکومت در محلات را غیرممکن

ساخت بلکه باید در خیابانها نیز آنها را به عقب راند. به میدان آمدن دور دیگری از حرکت انقلابی مردم در راه است. سرکوبگران رژیم اسلامی را در کارخانه، خیابان، دانشگاه و محله باید به زانو درآورد و آنان را از صحنه زندگی مردم جارو کرد. کل جامعه و در راس آن جنبش کارگری امروز بخوبی لیاقت و ظرفیت آن را دارد که با به زیر کشیدن این نظام فاسد، گنبدیده و ضد انسانی جامعه ای انسانی را بنیاد نهاد.

از صفحه ۱ انسانیت در کمپین جهانی ...



اسلامی و رهبران آن بی آبروتر شدند. احمدی نژاد در نیویورک فشار این کمپین جهانی به سیاستهای ضد انسانی دولت و حکومتش را اذعان نمود! با این حرکت موج تازه ای بدور از هر گونه ارجیف رایج در قوطی نسبیت فرهنگی، ملی و مذهبی شکسته شد و همبستگی انسانی در جهان با شفافیت خود را نشان داد که از جنگ، از اعدام، از سنگسار، در هر گوشه ای از دنیا نفرت دارد. این جنبش به آنجا رسید که صف عظیمی از شریفترین آزادیخواهان و انسان دوستان و برابری طلبان جهان را در مقابل رژیم اعدام و سنگسار قرار داده است و فشار و اعتراضاتی

رژیم نیز از آن خسته شده اند. همه می دانند در پشت صحنه این نمایش چه هراسی سرپای سران حکومت و قاضی القضااتش را فراگرفته است. رژیم اسلامی با پناه بردن به تهدید، شکنجه و دیگر ابزار توحش علیه کسانی که آنان را وادار به سخنانی علیه خودشان می کند، آنقدر بی مایه است که راه دیگری چون این روشهای سوخته و آبرویاخته را سراغ ندارد. این تقلاها نشان از استیصال و درماندگی رژیمی است که به آخر خط رسیده است.

حکومت اسلامی در این نمایشنامه فقط توانست دو مسئله را به خوبی برای میلیونها انسان منعکس کند. اول اینکه شکست و نا کار آمدی خود را عملاً اعلام کرد و نشان داد که این سیستم و این نظام رویه زوال مذهبی در مبارزه علیه آزادیخواهی و برابری طلبی کارآیی خود را از دست داده است. دوست و دشمن بخوبی این حقیقت را دریافتند که رژیم اسلامی ترندهایش یکی پس از دیگری در حال سوختن و از کار افتاده است.

دوم اینکه مینا احدی و حزب کمونیست کارگری را به میلیونها انسان با تصویر و حرفهایش علیه حکومت اسلامی و به عنوان مدافع پر شور انسانیت در عرصه بین

المللی معرفی کرد. این شوی تلویزیونی حکومت اسلامی تازه گی نداشت. مردم سیاستهای ضد انسانی این حکومت را خوب می شناسند. از دهه شصت تا کنون با شکنجه و فریب، با وعده و وعید به زندانیان و برای توجیه سیاستهای کثیف خود آنها را به پای رادیو و تلویزیون آورده، با آنها مصاحبه کرده و بعد بسیاری از آنان را اعدام کرده است. این اعتراف گیرها توسط دستگاه سرکوب و دستگاه تبلیغاتی صدا و سیمای حکومت اسلامی، برای میلیونها مردم در سراسر دنیا کاملاً شناخته شده است و به شگردی ضد انسانی مشهور است که در آن زندانیان اسیر شده در دست حکومت علیه خود دارند حرف می زنند. اما مردم در پشت این صحنه ها فقط درماندگی یک رژیم در حال سقوط را مشاهده می کنند.

همانطوریکه اشاره شد آنچه که تازگی داشت معرفی حزب کمونیست کارگری و مینا احدی بعنوان شخصیتی کمونیست و یکی از رهبران این حزب بود. هر چند که دستگاه اراجیف پراکنی صدا و سیمای رژیم چنین اندیشید که مردم ایران گویا خیلی برای اسلام تره خورد می کنند یا خیلی "اسلامی" هستند و حکومت اسلام هم در ایران

در طول این ۳۱ سال در میان مردم عدالت اجتماعی را به خوبی بر قرار کرده است، با گفتن اینکه مینا احدی کمونیست است مردم را علیه کمونیسم و علیه مینا احدی می شوراند. اما این اسلحه سالهاست از دست رژیم اسلامی افتاده، کهنه و بی خاصیت شده است و فقط باروتش صورت سیاه رهبران اسلامی را سیاهتر می کند. این نیاز بشریت است، این نیاز امروز و این زمانه است تا در مقابل حکومتی که انسانیت را به سیخ کشیده است باید مینا و میناهایی قد علم کنند و در مقابل این حکومت خون آشام از انسان و انسانیت دفاع نمایند. میلیونها نفر در ایران و با دیدن برنامه شو تلویزیونی کاربردستان رژیم، بیشتر از پیش دریافتند که مینا احدی کمونیست و حزب کمونیست کارگری، سرسختانه و پیگر از انسانیت، آزادیخواهی، از حق حیات انسانها دفاع می کنند. میلیونها بیننده از این شو تلویزیونی حکومت اسلامی این پیام را گرفتند که باید به کمونیسم کارگری مینا احدی پیوندند.

۲۱ نوامبر ۲۰۱۰

سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

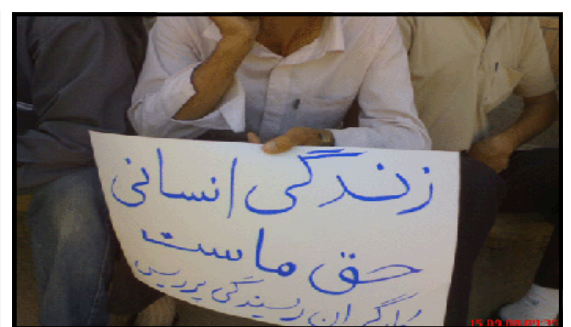
سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم

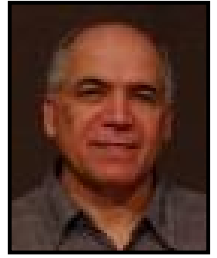
آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!





اصغر کریمی

دیگر برای همه روشن شده که خانم عبادی هر وقت جمهوری اسلامی در منگنه و بن بست قرار میگیرد، احم شان توی هم میروند، کنترل شان را از دست میدهند و موضعی میگیرند که پوسته حقوق بشری ایشان را کنار میزند و کنه مطلب نمایان میشود. همینکه کمپین نجات سکینه بالا گرفت و جمهوری اسلامی در مخصصه قرار گرفت، ایشان رگ گردنشان بیرون زد و این کمپین را مشتتی داد و قال نامیدند و حتی ادعا کردند این توطئه وزارت اطلاعات است، و اخیرا با اولین اطلاعیه مینا احدی در مورد شهلا جاهد باز هم دهن دری کردند و پای وزارت اطلاعات را به میدان آوردند.

اجازه بدهید اول چند سوال را مقابل خانم عبادی بگذارم و سپس علت واقعی کینه و ضدیت ایشان با کمپین جهانی نجات سکینه و کمپین برای آزادی شهلا جاهد را توضیح دهم.

اولین سوال من است که اگر شهلا جاهد هم بشر است، همینکه حکم اعدامش به دایره اجرائیات رفت شما خانم عبادی چرا خواهان لغو حکم اعدامش نشدید و اطلاعیه ای یا مصاحبه ای انجام ندادید؟ و چرا کل دوستان شما و همفکران و هم حزبی هایتان در این مورد سکوت کرده اید؟

سوال دوم این است که چرا شما در مورد وکیل که صحبت میکنید هوتن کیان را سانسور میکنید و در مصاحبه ها و موضع گیری هایتان اسمی از هوتن و سجاد نیماورید؟ آیا اینها از نظر شما بشر محسوب نمیشوند؟ چرا فرزاد کمانگر و کبرا رحمانپور و دلارا دارابی و همجنسگراها موضوع کمپین های شما نمیشوند؟ دایره حقوق بشر شما چرا اینقدر تنگ است!

خانم عبادی دروغ میگوئید. شما مدافع حقوق بشر نیستید!

مبنای موضعگیری های سیاسی عبادی و گنجی و فرخ نگهدار و لاهیجی و غیره است. اما خانم عبادی باور کنید شعور جامعه بسیار بالاتر از آنچه است که شماها فکر میکنید. جامعه مدتهاست از شماها و جنبش تان عبور کرده است. به همین دلیل دارید از گردونه بیرون می افتید.

اما در پایان اجازه دهید یکبار دیگر موضع همیشگی خودمان را مورد تاکید قرار دهم. ما خواهان آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، هر عقیده ای، و آزادی فوری همه زندانیان سیاسی اعم از دو خردادی، ملی اسلامی، ناسیونالیست و کمونیست، و همینطور پیروان مذاهب مختلف هستیم. همه اینها را بشرا! میدانیم و حقوق بشر ما بدون استثنا شامل همه اینها میشود. و برای هر کس که برای آزادی هر بخشی از آنها فعالیت کند ارزش قائلیم. حتی اگر کسی رسماً اعلام کند که هدفش فقط آزادی ناسیونالیست ها یا ملی اسلامی ها است، و کاری به سایر زندانیان سیاسی ندارد، کارش را کم و بیش مثبت میدانیم اما به هیچ حقه بازی اجازه نمیدهیم اهداف ارتجاعی اش را زیر پوشش حقوق بشر و غیره پنهان کند.

میگردد، نمیتواند امروز عین وزارت اطلاعات حرف بزند و فردا برای محکوم کردن يك کمپین پای وزارت اطلاعات را به میان بکشد! تازه خانم عبادی میتوانم از شما سوال کنم که مگر وزارت اطلاعات چه بدی دارد! شما که دست نمایندگان مجلس اسلامی را میبوسید، خاتمی هشت سال رئیس بالاتر وزارت اطلاعات را هم مستحق جایزه نوبل میدانید، از شاهرودی رئیس يك قوه دیگر رژیم هم که تعریف و تمجید میکنید، پس چرا به ارگانی که امکان داد خاتمی هشت سال رئیس جمهورتان باقی بماند کم لطفی میفرمائید! شما که بیشتر از ما از نقش مهم وزارت اطلاعات و شاخه هایش در کارخانه ها و دانشگاهها برای سر پا ماندن خاتمی و شاهرودی و کلیت رژیم اطلاع دارید؟

در مورد کمپین جهانی نجات سکینه و شهلا جاهد، لاهیجی دلیل مخالفت خانم عبادی را هم توضیح داده است: این دو نفر هنجار شکن هستند! یعنی هنجارهای اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی را زیر پا گذاشته اند. همجنسگراها هم همینطور. کمونیست ها و فعالین کارگری هم همینطور. و این اساس و

یا از آنجا که شما میان اسلام و حقوق بشر تناقضی نمی بینید مخالفت چندانی هم با مجازات های اسلامی ندارید؟ آقای عبدالکریم لاهیجی، هم فکر و هم جنبش شما فرموده اند که سکینه و شهلا جاهد هنجار شکنی کرده اند! (چه همخونی عمیقی با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی!) آیا در حقوق بشر شما رابطه جنسی خارج از ازدواج از نظر حقوقی آزاد است یا هنجارشکنی به حساب می آید و ما مورین نهی از منکر و وزارت اطلاعات شما حق دارند خطایان را گوشمالی دهند! از دهها سوال دیگر در این راستا صرف نظر میکنم و سراغ اصل موضوع میروم.

موقعی که در سال ۲۰۰۳ جایزه نوبل را به شیرین عبادی دادند و تریبون ها منتظر بودند که ایشان در زمینه حقوق بشر، که عنوان این جایزه بود، چیزی بگویند ایشان اعلام کرد که اسلام با حقوق بشر تناقضی ندارد و بعدتر در مصاحبه هایش گفت آقای خاتمی مستحق این جایزه بود و من حاضرم دست نمایندگان مجلس اسلامی را بفشارم. و این سرنخ اصلی موضع گیری های شیرین عبادی است. ایشان بعنوان مثال در مورد فتوای قتل سلمان رشدی چیزی نگفته است اما همین که به کورت و وسترگارد کاریکاتوریست دانمارکی جایزه داده شد ایشان و اکبر گنجی بلافاصله اعتراض کردند و خواهان ممنوعیت فعالیت های او و امثال او شدند. ایشان خوب خبر داشت که در همین دانمارک تروریست های اسلامی، وسترگارد و لارش ویکس در سوئد را تهدید به قتل کرده اند و تشو ونگوگ فیلمساز هلندی را به همین بهانه به قتل رسانده اند و سالها قبل از آن خمینی سردسته باندهای جنایتکار اسلامی حکم قتل هزاران نفر از کمونیست ها و سرنگونی طلبان را صادر کرد و برای قتل سلمان رشدی هم جایزه تعیین کرد و شیرین عبادی هیچگاه به یاد حقوق بشر و آزادی بیان امثال وسترگارد و لارش ویکس و رشدی نیفتاد. کسی که با هر کمپینی برای نجات يك زندانی محکوم به اعدام و سنگسار دنبال رد پای وزارت اطلاعات

بقول فردريك انگلس، همزرم کارل مارکس، «از زمان پیدایش کارگران و سرمایه داران بر روی زمین کتابی که به اندازه کتاب حاضر برای کارگران مهم باشد پیدا نشده است». و خود مارکس این کتاب را نقدی بر اقتصاد بورژوازی از دیدگاه منافع طبقه کارگر میدانند «که امر تاریخی اش سرنگونی شیوه تولید کاپیتالیستی و از میان برداشتن قطعی و نهائی همه طبقات است».

کاپیتال را بخوانید،

و خواندن آن را به همه آنها که خواهان رهائی از منجلاب سرمایه داری اند توصیه کنید!



بهنام ابراهیم زاده باید فوراً آزاد شود

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک و عضو انجمن کودکان کار و خیابان از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است. او در بند ۳۵۰ اوین بسر میبرد. او به خاطر دفاع از حقوق کودک و مبارزه برای یک زندگی انسانی به اسارت جمهوری اسلامی در آمده است. او در این مدت مرتب زیر فشار و اذیت و آزار قرار داشته و در اعتراض به این فشارها و بازداشت و وضعیت بلا تکلیف در زندان در ۷ مهر به مدت دوازده روز دست به اعتصاب غذا زد تا اینکه سرانجام وی را به بند ۳۵۰ اوین منتقل کردند. با وجودیکه برای بهنام وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده بود، اما وثیقه را از خانواده اش تحویل نگرفتند و بهانه آوردند که این وثیقه از شهرستان است و باید از تهران باشد و بعد هم یکماه بازداشت او را تمدید کردند. پس از آن قرار بود که در ۱۶ آبان برای وی دادگاه تشکیل دهند، اما به بهانه عدم حضور نماینده دادستان، دادگاه نیز تشکیل نشد. بدین ترتیب بهنام بیش از ۵ ماه است که بلا تکلیف در زندان است.

بهنام ابراهیم زاده، همایون جابری، غلامرضا غلامحسینی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید از زندان آزاد شوند. همه پرونده های قضایی تشکیل شده برای کارگران و فعالین سیاسی و احکام صادر شده برای آنها باید فوراً لغو شود. پیگرد و تهدید فعالین کارگری باید متوقف شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش دارد صدای اعتراض کارگران زندانی را در سطح جهانی انعکاس دهد و حمایت جهانی را در همبستگی با این کارگران و جنبش اعتراضی کارگران در ایران جلب کند. با این کمپین همکاری کنید.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"

شها دانشفر
0044-77798 98968
Shahla_Daneshtfar@yahoo.com

بهرام سروش
Bahram.Soroush@gmail.com
0044-7852 338334

برای امضای طومار برای اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/blog-page.html>

۲۸ آبان ۸۸
۱۹ نوامبر ۲۰۱۰

در آخرین خبر، بهنام از زندان یادداشتی نوشته است، که در آن صدای اعتراضش از وضع کودکان کار بلند است و دارد انسانیت را فریاد میزند. متن یادداشت بهنام را در ضمیمه میخوانید.

در دادگاههای جمهوری اسلامی، این بهنام ها و کارگران هفت تپه و شرکت واحد و انسانهای آزادیخواه هستند که

یادداشت بهنام ابراهیم زاده از بند ۳۵۰ اوین



بهنام ابراهیم زاده

نمی دانم چرا این روزها در گوشه تاریک بند ۳۵۰ نیز تصویر مهری و خواهر و بردارانش ... از جلوی چشمانم دور نمی شود. آنها این روزها در نبود انجمن کودکان کار و خیابان چه می کنند؟ آیا کسی هست تا درد دلشان را بشنود و نکته ای به آنها بیاموزد؟ آنها این روزها چگونه روزگار می گذارند؟

بهنام ابراهیم زاده

پاییز ۸۹

بند ۳۵۰ زندان اوین

کودکان کار فقط آنهایی نیستند که در چهار راه ها گل و فال می فروشند یا در زباله دانها دنبال اشیای ارزشمند می گردند و یا اسپند دود کنان از میان ماشینها رد می شوند. بعضی ها در کارگاه های سیاه و نور و بعضی در خانه ها میخ صاف می کنند و برای هر کیلو مبلغ کمی دریافت می کنند. بعضی ها هم در کارگاه هایی در شرایط بسیار نامناسب شغلی کیف تعمیر می کنند. عروسک سر هم یا گلوزی می کنند.

کودکان کار با خانواده هایی که عموماً مشاغل کاذب دارند در حومه شهرهای بزرگ زندگی می کنند و وقت تحصیل و کودکی شان توسط خانواده هایشان گرفته می شود. آنها بیشترشان یا بی سوادند یا هیچ مهارتی ندارند، موضوعی که آنها را در معرض خطرات زیادی قرار می دهد. آنها بارها و بارها به همین دلایل طعمه قاچاقچیان شده اند و در کیف یا عروسک هایشان مواد مخدر جاسازی شده است.

مهری دختری ده ساله است. او را بارها در انجمن کودکان کار و خیابان دیده بودم. او به همراه سه خواهرش دردهای مادرشان را شنیدند و تصمیم گرفتند که از کودکی کار کنند تا کمک خرجش باشند. آنها کارشان را در کارگاه لباس دوزی آغاز کردند اما مهری بارها برایم تعریف کرد که کارگاه محیط سالمی ندارد و بعضی سرکار گرها و صاحب کارها شیشه و تریاک مصرف می کردند و حرکاتی نا به جا از آنها سر می زد.

مهری می گفت: "از ما می خواستند برایشان مواد جابه جا کنیم، آنها مواد را توی عروسکها می گذاشتند و به ما می گفتند به جای کار زیاد و پول کم در کارگاه، عروسک برای مان جابه جا کنید و پول زیاد بگیرید. او برایم تعریف می کرد که این آدمها خودشان به راحتی پول در می آورند و لازم نیست خیلی زحمت بکشند."

این نمونه کوچکی از خطراتی است که مهری ها را تهدید می کند

خطاب به مردم آلمان ...

از صفحه ۱

اعتراضات گسترده در آلمان و در سطح بین المللی زد. باید جمهوری اسلامی را به خاطر رفتارهای وحشیانه اش محکوم کرد، منزوی کرد و روابط دیپلماتیک و سیاسی با آنرا قطع کرد. جمهوری اسلامی بسیار شکننده است و از گسترش اعتراضات بین المللی بشدت وحشت دارد.

همبستگی عمیق خودم را با این دو خبرنگار اعلام میکنم و از همه مردم آلمان میخواهم دست به اعتراض بزنند. تظاهرات سازمان دهند. با ما همراه شوند. از روزنامه ها و ژورنالیست ها و بویژه از روزنامه Bild انتظار دارم کمپین سازمان دهند و مردم را به اعتراض دعوت کنند. باید دنیا علیه این رژیم وحشی بپاخیزد.

مینا احدی

سخنگوی کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار
۱۹ نوامبر ۲۰۱۰

تسلیم میکنند. نباید با این آدم ریائی آشکار وارد بند و بست و امتیازدهی شد. متأسفانه دولت آلمان بجای دفاع از این دو شهروند سکوت کرده و پشت درهای بسته مشغول امتیاز دادن به حکومت تروریست جمهوری اسلامی است. دولت آلمان از رئیس دادگستری آذربایجان شرقی که مسئول مستقیم زندانی کردن و بازجویی از شهروندان آلمانی و محکومیت سکینه و سجاد و هوتن و دهها جنایت دیگر است دعوت کرده است که با او و هیئت همراهش روز دوشنبه ۲۲ نوامبر در هامبورگ و در پشت درهای بسته مذاکره اقتصادی بکند! مردم آلمان باید این سیاست را قاطعانه محکوم کنند.

برای آزادی ژورنالیست های آلمانی و سکینه و سایر دستگیرشدگان باید دست به

به جاسوسی متهم کردند و بعد از تجاوز به قتل رساندند. این سیستم قضائی ضد انسانی حکومت اسلامی را نشان میدهد که به راحتی مردم را دستگیر میکند و هر جرمی خواست پشت درهای بسته به آنها نسبت میدهد.

جمهوری اسلامی دو خبرنگار آلمانی را وادار به مصاحبه تلویزیونی کرد. اعترافات تلویزیونی جمهوری اسلامی نیز در سطح دنیا رسوا شده است. زندانی را تحت فشار و تهدید و شکنجه روحی و جسمی قرار میدهد تا علیه اعتقادات خود حرف بزند. اینرا هم باید محکوم کرد.

جمهوری اسلامی این دو نفر را گروگان گرفته است تا از دولت آلمان امتیاز بگیرد. مثل هر آدم ریائی که در ازای یک میلیون دلار قربانی را



طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گر سنگی و فقر مجالده شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی بر حذر دارند! شرم بر دزد های میلیاردی که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به گالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است. پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میداند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدور انسان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، مشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

حکومت اسلامی نمیخواهیم

مذهب در دست جمهوری اسلامی يك چماق است. چماق سرکوب اکثریت عظیم مردم! چماق حمایت از غارتگران و چپاولگران اموال مردم! سنگسار و شلاق و اعدام و تعزیر و قصاص اسلامی را بکار گرفته اند تا از اموال آیت الله ها و صاحبان سرمایه پاسداری کنند. حکومت آیت الله های میلیاردر را باید بزیر کشید! شر قوانین اسلام را باید از سر جامعه کم کرد!

دست خون آلود مذهب از دولت و جامعه کوتاه!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

کانال جدید: هات برد فر کانس ۱۱۲۰۰، FEC: ۵/۶، عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران در شبکه KBC

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
تلفن تماس و پیامگیر ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷



رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrswift code : BÖFAUS

شماره حساب انگلیسی

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!